

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه دوم)

سند و راویان دعای ندبه

دو سند برای دعای ندبه نقل شده است: اولی از طریق سیدبن طاووس که شخصیت و جایگاه ایشان نیاز به معرفی ندارد و در جمع‌آوری ادعیه جزء متخصصین است. ایشان در کتاب مصباح‌الزائر صفحه‌ی ۴۴۶، سند این دعا را چنین نقل می‌کند: «بعضی از اصحاب ما چنین گفتند که جناب محمدبن علی به ابی‌قره از کتاب مرحوم محمدبن حسین بن سفیان بن بزوفری این دعا را نقل کرده‌اند.» سند دیگر آن در کتاب مزار محمدبن مشهدی که کتابی در باب زیارت‌هاست ذکر شده. ایشان نیز همین راویان را برای دعای ندبه ذکر می‌کند. در اهمیت این کتاب همین بس که علامه مجلسی در بحارالانوار از کتاب مزار به عنوان مزار کبیر یاد می‌کند. سیدبن طاووس نیز علاوه بر نقل روایت از این کتاب آن را مدح نموده است. بعلاوه از مقدمه‌ی کتاب چنین مشخص می‌شود که محمدبن مشهدی فقط روایاتی را ذکر کرده که برای او قابل اعتماد و موثق بوده‌اند. جناب محمدبن علی به ابی‌قره از راویان حدیث مورد اعتماد و ثقه است. ابن بزوفری نیز از رجال و از مشایخ شیخ مفید است؛ یعنی شیخ مفید از او یاد می‌کند و برای او قابل احترام است.

دلایل مآثوره بودن دعای ندبه

ابن بزوفری در مورد دعای ندبه می‌گوید: «مستحب است که این دعا در اعیاد اربعه (غدیر، قربان، فطر و روز جمعه) خوانده شود.

شاید یکی از دلایل عید بودن روز جمعه، انتساب آن به امام زمان باشد.

دلایل مآثوره بودن دعای ندبه:

۱. حکم کردن در احکام خمسه (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) تنها کار معصوم است. استحبابی که ابن بزوفری برای خواندن این دعا در اعیاد اربعه ذکر می‌کند، نشان می‌دهد که این دعا مآثور و صادر شده از جانب معصوم است؛

۲. تعیین وقت خواندن نیز از دلایل دیگر ماثوره بودن این دعاست؛

۳. سومین دلیل اینست که روش علما این بوده که اگر چیزی از جانب خودشان (ابداع و توصیه) می‌بود، ذکر می‌کردند؛

۴. عبارت «**إِنَّه الدعا لِصاحبِ الأمر**» (در متن روایت) نشان‌دهنده‌ی این است که احتمالاً این دعا از توقیعات امام‌زمان به مرحوم ابن‌بزوفری بوده است؛

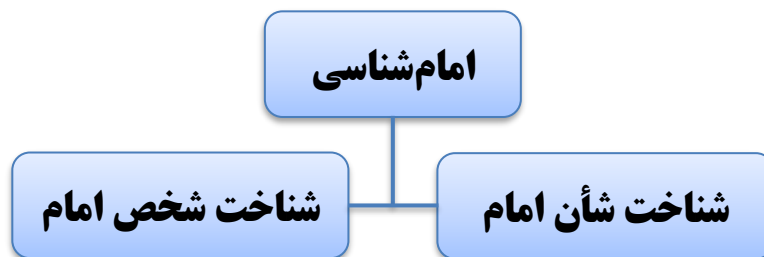
۵. با دقت در متن دعا، وثاقت و اتقان (استواری) و متانت دعا کاملاً آشکار است که نشان می‌دهد که چنین دعایی حتماً از جانب معصوم است؛

۶. توجه و عنایت ویژه‌ی علما و بزرگان شیعه به این دعا از دیگر دلایل ماثوره بودن این دعاست؛

۷. ما مجموعه روایاتی داریم که به آنها «**من بلغ**» می‌گویند؛ یعنی اگر در کتاب معتبری نقل معتبری از خدا و اهل‌بیت به شما رسید و آن را انجام دادید، ثواب آن به شما خواهد رسید؛ پس در سند دعا شک نیست و این دعا ماثور است؛ یعنی یا از امام‌صادق یا توقیعی از امام‌زمان و یا امام‌هادی و یا هر دوست؛ یعنی امام‌زمان بر دعای نقل شده از زمان امام‌صادق تأکید و آن را دوباره نقل کرده‌اند.

امامت و امام‌شناسی در دعای ندبه

این دعا یکی از بهترین منابع برای شناخت شأنیت و شخصیت امام‌زمان است. ما باید دو مورد مهم را در مورد امامت بدانیم در غیر این صورت در دنیا و آخرت دچار مشکل می‌شویم: اولاً باید بدانیم امامت چیست و دوماً شخصیت امام را بشناسیم.



✓ شناخت شأن امام

متأسفانه اهل‌سنت امامت را نفهمیدند، چیزی که یهودیان فهمیدند. اینکه یهودیان به دنبال جایگاهی بالاتر از حضرت موسی هستند برای این است که امامت حضرت ابراهیم را در کتب خود دیده بودند. در کتب یهود «ناسی» مقامی بالاتر از مقام «ناوی» یعنی پیامبر است. ناوی یعنی کسی که بر یک قوم خاص مبعوث می‌شود. ناسی همانطور که از نام آن پیداست، مقامی است که بر کل انسان‌ها حکومت و ولایت دارد، حال ممکن است ۵۰ پیامبر هم فرمانبردار و زیر

مجموعه‌ی او باشند. یهودیان شأنیت امام را فهمیده بودند؛ اما آن را تحریف کردند و به قهقرا بردند و سراغ کابالا و فرقه‌سازی رفتند. آیه‌ی ۱۲۴ سوره‌ی بقره، آیه‌ای مهم برای اثبات امامت و عصمت امام و اینکه این مقام جعل خداوند است، می‌باشد. مقامی که بسیاری از پیامبران که برخی اولوالعزم هم بودند به آن نرسیدند. خدا در این آیه می‌فرماید: «هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده‌ی این آزمایش‌ها برآمد، خداوند به او فرمود: "من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم" ابراهیم عرض کرد: "از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)" خداوند فرمود: **«لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»**; "پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد."»

شناخت شأنیت امام یعنی بدانیم که امام خلیفه است

و هر آنچه از خدا برمی‌آید (زنده کردن، میراندن، روزی دادن و...) بجز خدا بودن از او نیز برمی‌آید. **«و سجدوا الادم»** نیز یعنی **«اتبعوا من آدم»**؛ یعنی تبعیت از آدم. اینکه اسم اعظم ۷۲ حرف است و برخی اولیاءالله و پیامبران هر کدام چند حرف داشته‌اند که با آن معجزاتی کرده‌اند، اشاره به تعداد ملائک مقرب تحت فرمان آنها دارد؛ یعنی هر کدام از این افراد بخشی از ملائک را در اختیار و تحت فرمان داشته‌اند؛ اما همه‌ی ملائک در اختیار و تحت فرمان امام هستند. البته راز این امر، عبد بودن آنهاست؛ یعنی هرچه فردی در محضر خدا عبدتر و تسلیمتر باشد، تبعیت فرشتگان از او بیشتر است. یهود این مقام را می‌شناخت؛ اما به دنبال این بود که بدون ابتلا، امتحان، سختی و بی‌واسطه به این مقام (خدایی کردن) برسد.

✓ شناخت شخص امام

وقتی شأن امام را شناختیم باید شخص امام را بشناسیم. پیامبر اکرم فرمود: **«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»**؛ «هر فردی که بمیرد در حالی که امام‌زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.» (کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۱۰)

به مرگ جاهلیت مردن، یعنی حیوان و بی‌تمدن مردن.

زندگی کسی که امام‌زمان خود را نشناخته، حیات حیوانی است. فرق مؤمن و شیطان در اعتقاد و تبعیت شیعه از خلیفه‌الله است و إلا براساس آیات قرآن، شیطان نیز به خدا و معاد اعتقاد دارد. شناخت امام‌زمان آنقدر مهم است که اهل‌بیت در این زمینه به شیعیان خود دعا انشاء کرده‌اند. از جمله زراره می‌گوید: «خدمت امام صادق بودم که سخن از غیبت امام به میان آمد، اینکه برای امام‌زمان غیبتی است که خدا شیعه را به آن امتحان می‌کند و بسیاری از مردم در این امتحان مردود می‌شوند.» در ادامه زراره از حضرت می‌پرسد: «فدایت شوم اگر آن زمان را درک کردم،

چه کنم؟» فرمود: «ای زراره! اگر عصر غیبت را درک کردی بر این دعا مداومت داشته باش» و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ «خدایا! خودت را به من بشناسان؛ چون اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من معرفی کن؛ چون اگر رسول تو را نشناسم، حجت تو را نخواهم شناخت، خدایا حجت خود را به من معرفی کن؛ زیرا اگر حجت تو را نشناسم از دین خود گمراه شده‌ام.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷)

علاوه بر روایات، آیات قرآن نیز بر لزوم شناخت امام تأکید دارند. خدا در آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»؛ «روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم.» این یعنی ما در قیامت با کسی محشور می‌شویم که نسبت به او شناخت و محبت او را در دل داریم؛ پس جهت زندگی ما دائماً باید در جهت امام باشد. دعای ندبه این کشش و معرفت را در دل ما ایجاد می‌کند.

چند روایت در معرفت امام

ما در کافی شریف بابی به نام معرفت امام داریم که ۱۴ روایت دارد. در ادامه به چند روایت اشاره می‌کنیم. راوی می‌گوید: «از یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق) شنیدم که فرمود: "بنده مؤمن نباشد تا خدا و رسولش و همه‌ی امام‌ها و امام‌زمانش را بشناسد و در کارهایش به امام‌زمانش مراجعه کند و تسلیم او باشد" و سپس فرمود: "چگونه آخری را بشناسد و نسبت به اولی جاهل باشد؟" یعنی اگر فردی ۱۱ امام را بشناسد و امام‌زمان را نشناسد، مؤمن نیست. بعلاوه شناخت شناسنامه‌ای امام مدنظر نیست؛ بلکه فرد باید به مقام و شأن امام معرفت داشته باشد. در جایی دیگر امام صادق می‌فرماید: «به راستی که خدای عزوجل پیامبر را بر همه‌ی مردم، رسول فرستاد؛ او حجت خداست بر همه‌ی خلق روی زمین؛ هر که ایمان به خدا دارد و به پیامبر خدا و پیروی از او کند و او را تصدیق نماید، معرفت امام از ما هم بر او واجب است.» یکی از مظلومیت‌های پیامبر این است که امامت ایشان شناخته نشده است. به خصوص برادران اهل سنت قائل به امامت ایشان نیستند و فقط ایشان را پیامبر می‌دانند. در حالی که ایشان اولین امام ما هستند. در دعای توسل نیز ایشان را امام‌الرحمه می‌خوانیم. نکته‌ی دیگری که حضرت به آن اشاره می‌کنند این است که همانقدر که اطاعت از خدا و پیامبر واجب است، اطاعت از امام نیز واجب است. ما در نماز و سوره‌ی حمد به خدا می‌گوییم ما را از گمراهان قرار نداده «غَيْرِ

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ؛ اما خیلی از ما نمی‌دانیم که براساس روایات منظور از ضال و گمراه کسی است که امام خود را نمی‌شناسد. از جمله محمد بن مسلم گوید: «از امام باقر شنیدم که می‌فرمود: "هر که برای خدا دینداری کند با عبادتی که خود را در آن به رنج اندازد و بکوشد و امامی از طرف خدا برای او نباشد، کوشش او پذیرفته نیست و او گمراه و سرگردان است و خدا کردار او را بد می‌شمارد؛ او به مانند گوسفندی است که از چوپان و گله‌ی خود گم شده و شب و روز می‌جهد، می‌دود، می‌رود و می‌آید و شب‌هنگام گله‌ی غریبی بیند و بدان دل نهد و فریب آن را بخورد و با آن در آغوش شب را بگذراند و چون چوپان گله‌ی خود را راند، آن چوپان و آن گله را نشناسد و سرگردان بجهد و چوپان و گله‌ی خود را بطلبد... آن گوسفند گمشده، هراسان و سرگردان و تک برجهد و چوپانی ندارد که به چراگاه خودش رهبری کند و یا او را برگرداند. در این میان که چنین است به ناگاه گرگ از گمشدنش فرصت جوئی کند و آن را بخورد؛ ای محمد سوگند به خدا چنین است حال کسی که در این امت دست به دامن امام منصوب از طرف خدا نباشد، امامی که امامت او روشن است و عادل است. او گمراه و گم است و اگر بر این حال بمیرد، در کفر و نفاق مرده است..."» روایت‌های ذکر شده در دعای ندبه نیز همگی مورد اجماع شیعه و سنی است؛ یعنی این دعا یک درسنامه‌ی کامل معرفتی برای شأنیت امام است. در دعای ندبه ما سیر تمدنی انبیاء را از داستان آغاز خلقت شروع و بررسی می‌کنیم تا به شناخت امامت و سپس امام‌زمان برسیم. این سیر را می‌گوید تا ما بفهمیم امام‌زمان عصاره‌ی همه‌ی انبیاء و اوصیاء است؛ سپس برای ما نمایی از ظهور را ترسیم می‌کند و می‌گوید: «روزی که تو ایستاده‌ای و همه دورت را گرفته‌اند...» از طرفی ما را دچار شغف می‌کند که شیعیان این امام هستیم و از طرف دیگر این خوف را در ما ایجاد می‌کند که چرا او را نداریم.

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه دوم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، خرداد ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.mahdian.com)